

شرم‌الشیخ، پزشکیان و رویه معکوس



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

اینکه می‌گویند در مثل مناقشه نیست از آن جهت است که آوردن مثال برای تقریب ذهن به‌موضوع است‌ونه‌اینکه‌بگوئیم‌موضوع، عین‌به‌عین مشابه آن مثال است. در این یادداشت هم من قصد دارم مثالی بزنم تا درک موضوع ساده‌تر شود. در منظر عامه اینچنین است که اگر کسی حج می‌رود و نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، منتظاً باید از مناهی پرهیز کند و اگر چنین باشد که افرادی این آداب را به‌جامی‌آورند اما از ارتکاب بسیاری از مناهی پرهیز نمی‌کنند، نتیجه گرفته می‌شود که شاید آن اعمال نمتنها از رفتارهای ناپسند جلوگیری نمی‌کند، بلکه شاید برای همین است که خداوندگار معنا، لسان الغیب می‌گوید «حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی / دام تزویر مکن چون دگران قرآن را». و دقیقاً مسئله همین جاست که چه کنیم تا عملی‌نیکو، در چشم جامعه، معنای «دام تزویر» نیابد. احتمالاً آلهایی که با نوشته‌های من در این چند دهه آشنا شدند می‌دانند با وجود نقد بسیار که بر شیوه حکمرانی در کشورمان دارم، ولی حتی به حد افراطی و بی‌بازگشت، معتقد به شرکت در انتخاباتم؛ طوری که بسیار پیش از شروع هر انتخابات در این موضوع فعال می‌شوم، و بر آن چنان پای می‌فشارم که باعث کدورت دوستانم می‌شود و چه بسیار عزیزی که از این بابت روابطشان را با من قطع یا به حداقل رسانده و روی برگردانده‌اند و حتی اگر در مواقعی و موردی، دوباره به صندوق رای برگشته باشند، آن کدورت دیگر ترمیم نشده و مرا از دایره دوستان صمیمی‌شان بیرون نهاده‌اند. اما با این همه، همچنان معتقد بر مشارکت در انتخابات مانده‌ام و درباره آن بارها نوشته‌ام و باز هم خواهم نوشت. حالا برگردیم به مثالی که اشاره کردم. در آن مثال که حافظ از زهدریایی می‌گوید، آنچه به واسطه رفتار آسیب می‌بیند، همان آداب عبادی است که وقتی در کنش روزمره انسان‌ها اثر نگذارد، در نگاه عامه به «دام تزویر و ریا» تبدیل می‌شود. در انتخابات ۱۴۰۳ تمام تلاش من و امثال من این بود که نماینده‌ای از خود به درون ساختار حاکمیت بفرستیم تا بازگوکننده مطالبات مردم باشد و با انتخاب پزشکیشان گمان‌مان این بود که توانسته‌ایم در کار خود موفق شویم، اما متأسفانه روند امور این یک‌سال نشان داد که گویا نتیجه معکوس شده و بیشتر از آنکه پزشکیشان، نماینده مردم در حاکمیت باشد، به‌نماینده حاکمیت در بین مردم شباهت پیدا کرده، یعنی همان چیزی که حاکمیت، مشابه آن را بسیار دارد و در نتیجه ایشان بیش از آنکه خواسته‌های مردم را آنجا بازتاب دهد، خواسته حاکمیت از مردم را منعکس می‌کند و حاصل متأسفانه قابل پیش‌بینی است، که اگر در

انتخابات ۱۴۰۳ فقط ۳۹ درصد مردم پای صندوق رای آمدند و کمترین میزان مشارکت در این ۲۷ سال رأی‌ت ثبت کردند و در مرحله دوم، تنها با ساختن وحشت از جناب جلیلی و تندروهایی که بوی جنگ می‌دادند و با این ادعا که اگر می‌خواهید جنگ نشود و اگر می‌خواهید تحریم‌ها برچیده شود و اگر می‌خواهید کشورمان از انزوا خارج شود، باید به پای صندوق رای بیایید و مشارکت کنید تا تحولی در نظام حکمرانی حاصل شود. ولی حالا که همه آنچه مردم را از آن انداز دادیم محقق شده، در انتخابات بعدی، من و امثال من برای کشاندن مردم به پای صندوق رای چه داریم و آیا دوباره در زمان انتخابات، شبیه همان نخواهیم شد که حج گذارده، نماز خوانده، روزه گرفته، ولی در انجام مناهی نیز دستی دراز دارد؟

اینکه با پزشکیشان و چه بدون پزشکیشان، فرصت‌های کشور یک به یک از دست برود و فرستادن او به درون ساختار حکمرانی، اثر ملموسی در تغییر روندها نداشته باشد، در دست ما چه باقی خواهد گذاشت و صندوق رای را چطور با دام تزویر و ریا متفاوت خواهد کرد؟ اگر قرآن با همه تقدس اش به قول حافظ می‌تواند دام تزویر و ریا شود، چگونه به مردم بگوئیم شما پای صندوق رای بیایید که این بار فرق می‌کند؟ مثلاً همین ماجرای دعوت به شرم‌الشیخ که بالاخره بعد از ۲۷ سال، دشمنان ما پذیرفتند که اگر بخواهند بازی در این گوشه جهان معتبر باشد، بی‌بازگیری چون ایران مقدور نخواهد شد؛ خب گیرم که ما در این میدان حاضر نشویم، چه عایدمان خواهد شد؟ پزشکیشان می‌گوید به سازمان ملل می‌روم که مظلومیت ملت ایران را فریاد بزنم، خب چرا همین کار را در شرم‌الشیخ نمی‌کنی؟ نکند نیویورک خاکش غنی‌تر است؟ آنجا که آن همه تحقیرمان کردند و به عده‌ای ویزا ندادند و دسته‌جات راه انداختند که علیهمان شعار دهند و بدترین محدودیت‌ها را گذاشتند، با چه ذوق و شوقی رفتید، بعد اینجا که دعوت‌مان کردند و السیسی حرتمان گذاشت و عزت و احترام‌مان کرد نمی‌روید؟ جناب آقای «عباس عیدی» در یادداشتی به درستی نوشته‌اند «یکی از ویژگی‌های آقای پزشکیشان این است که می‌توان حتی در حضور او با تندترین زبان هم انتقاد کرد» بله درست است می‌شود از ایشان انتقاد کرد ولی نمی‌دانم نشانه‌ای هم می‌توان یافت که طی این یک‌سال هیچ انتقادی در ایشان اثر گذاشته باشد (غیر از آن ماجرای لایحه صیانت ۲ که یک موج عظیم در افکار عمومی علیه ایشان پدید آورد و ایشان را ناچار به عقب‌نشینی کرد)؟ متأسفانه چه خوشمان بیاید یا نه، ما برای هدف دیگری به پزشکیشان رای دادیم و متأسفانه رفتار جناب پزشکیشان در عمل بسیار متفاوت از آب درآمد. من بیشتر از امروز، به ۸ ماه دیگر نگاه می‌کنم. با این رویه معکوس که ایشان در پیش گرفته، خود را می‌گویم، این بار چگونه خواهیم توانست از صندوق رای و انتخابات دفاع کنیم؟

نگاه تحلیلگر ۱/

فرصت یا تله؟



مجید یونسیان

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

نپذیرفتن دعوت مصر از سوی ایران برای شرکت در اجلاس شرم‌الشیخ نه به هدر دادن فرصت دیپلماسی است و نه تله؛ بلکه این موضوع را باید از زاویه‌ای منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر دید و آن‌هم این است که دولت و حکومت در ایران هنوز آمادگی لازم برای تغییر رویکرد در سیاست تعامل با آمریکا و اروپا را ندارد. هنوز در بدنه تصمیم‌گیری کشور چیزی تغییر نکرده است. این نکته البته برای کسانی که تصور می‌کنند آمریکا و اروپا سیاست تعامل را جایگزین جنگ برای تأمین نیاز استراتژیک خود در پایان خصومت در خاورمیانه کرده‌اند، نوعی فرصت‌سوزی و استمرار خودانزویی است. هنوز هیچ سند متقنی در دست نداریم که نشان دهد آمریکا و اروپا تمایلی به پذیرش مشارکت ایران در تعاملات سیاسی خاورمیانه دارند. همه آنچه منطق حامیان شرکت ایران در اجلاس شرم‌الشیخ است، مبانی تحلیلی دارد و نه مستندات قابل لمس. برای تصمیم‌گیری واقعی در سیاست خارجی مبانی تحلیلی به‌تنهایی کافی نیست. در نقطه مقابل، حامیان عدم

ادامه سر مقاله

آیا این گزاره، به معنای نقد رفتار فلسطینیان هم هست که می‌نشینند و برای حل مسئله و جنگ تعامل می‌کنند؟ به‌علاوه، آیا می‌خواهید تا ابد ا‌ل‌ه‌ر گفت‌وگو و تعامل نکنید؟ سپس نوشته‌اند: «ایران همواره نیرویی کلیدی برای صلح در منطقه بوده و خواهد بود.» اگر ممکن است، توضیح داده شود که در غیاب حضور در چنین نشست‌هایی، مصداق این نقش مهم در کجا متجلی می‌شود؟ آیا ایران توانست در سوریه و لبنان اقدامی که معرف این ادعا باشد، انجام دهد؟ یا منتظر ماندیم که دیگران برای آنجا تعیین تکلیف کردند؟ در ادامه نوشته‌اند که: «بااین حال، ایران از هر ابتکاری که به نسل‌کشی اسرائیل در غزه پایان دهد و به اخراج نیروهای اشغالگر منجر شود، استقبال می‌کند.» این گزاره روشن‌واز و سیاست‌های عمومی ایران است؛ ولی پرسش این است که آیا ایران توافق اخیر را گامی

در این صورت، چنین برداشتی به سود ایران نیست.

در این صورت، چنین برداشتی به سود ایران نیست.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



انتقاد کارشناسان و فعالان سیاسی از توجیهات عراقچی برای غیبت ایران

نه به شرم‌الشیخ



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

اجلاس شرم‌الشیخ با حضور سران کشورها برگزار شد و ایران در هیچ سطحی در این نشست حاضر نشد. تصمیمی که ابعاد مختلفی داشت. برخی آن را فرصت‌سوزی می‌دانند و برخی نیز معتقدند که تصمیم درستی بود. بخشی از این تصمیم‌گیری به موضوع حضور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در این اجلاس چندجانبه برمی‌گشت و بخشی دیگر ناظر بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال موضوع فلسطین بود و حامیان این تصمیم معتقد بودند که حضور در این نشست به معنی روی گردانی از سیاست‌های جاری است. ابتدا این گمانه‌زنی مطرح شد که با توجه به پایان جنگ در غزه، ایران ممکن است در سطحی پایین‌تر به این نشست برود تا حمایت خود را از صلح در فلسطین و پایان کشتار مردم غزه نشان دهد. اما در نهایت تصمیم رسمی اعلام شد که ایران در هیچ سطحی به نشست شرم‌الشیخ نمی‌رود.

▼ نمی‌توانیم با مهاجمان به ایران تعامل کنیم

بعد از گمانه‌زنی‌ها و پیشنهادهای مختلف سلبی و ایجابی نسبت به استفاده از فرصت شرم‌الشیخ، در نهایت **سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه** در یک پست توئیتری به زبان انگلیسی، علت تصمیم ایران را توضیح داد. او نوشت: «ایران از دعوت‌رئیس‌جمهور السیسی برای حضور در نشست شرم‌الشیخ‌سپاسگزار است. با وجود تمایل به تعاملات دیپلماتیک، نه‌رئیس‌جمهور پزشکیشان و نه من، نمی‌توانیم با کسانی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان ما را تهدید و تحریم می‌کنند. با این حال، ایران از هر ابتکاری که به نسل‌کشی اسرائیل در غزه پایان دهد و به اخراج نیروهای اشغالگر منجر شود، استقبال می‌کند. فلسطینیان کاملاً محق هستند که حق اساسی تعیین‌سرنوشت خود را به دست آورند و همه کشورها بیش از هر زمان دیگری وظیفه دارند که در حمایت از این خواسته قانونی و مشروع به آنان کمک کنند. ایران همواره نیرویی کلیدی برای صلح در منطقه بوده و خواهد بود. بر خلاف رژیم نسل‌کش اسرائیل، ایران به دنبال جنگ‌های بی‌پایان نیست؛ به‌ویژه به هزینه متحدان ادعایی، بلکه در پی صلح پایدار، شکوفایی و همکاری است.»

اسماعیل بقایی، **سخنگوی دستگاه دیپلماسی** نیز در نشست هفتگی خود در پاسخ به سوالاتی راجع به این تصمیم گفت: «دعوت‌نامه‌ای از سوی رئیس‌جمهور مصر خطاب به رئیس‌جمهور کشورمان داشتیم و درباره تصمیمی که گرفته شد، توضیح دادیم. همه جوانب امر با دقت بررسی شد در جلسات کارشناسی هم در وزارت خارجه و بیرون از وزارت خارجه و ابعاد مثبت و منفی شرکت یا عدم شرکت سنجیده و نهایتاً به تصمیمی که مصالح و منافع کشور را تأمین کند رسیدیم و اعلام شد.» او همچنین در پاسخ به این سوال که برخی تحلیلگران عدم حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ را به معنای عدم بازگیری ایران در تحولات منطقه تعبیر می‌کنند، گفت: بازگیری در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با مشارکت فیزیکی یا عدم مشارکت در یک رویداد شکل نمی‌گیرد و فراتر از آن است. قطعاً نفوذ و اثرگذاری ایران چیزی نیست که بخواهیم به شرکت یا عدم شرکت در یک نشست بین‌المللی محدود کنیم. در دو سال گذشته ایران یکی از فعال‌ترین کشورها برای اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی و همدستانش برای توقف نسل‌کشی بوده است. در سطح منطقه تعاملات زیادی داشتیم در سطح سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی تلاش کردیم و فعالانه کار خود را ادامه خواهیم داد و مطمئن هستیم اثرگذاری لازم را داریم.»

▼ سه واکنش از دولت‌مردان سابق

غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران در دولت سازندگی در توئیتر نوشت: «عراقچی: نه پزشکیشان و نه من، نمی‌توانیم با کسانی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و سوال: صدام بیشتر حمله و جنایت نکرد؟ زین‌بارع) در مجلس ابن زیاد نفت و رسوایش نکرد؟ شما می‌فید افشاگری می‌کردید و مظلومیت ملت ایران را فریاد می‌زدید. بهتر نبود؟»

عطاالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت خاتمی نیز در همین شبکه اظهار داشت: «عدم شرکت و البته عدم مشارکت ایران در کنفرانس ترامپ در شرم‌الشیخ؛ خردمندانه، منطقی و موجه است. تاتار ترامپ است. نتانیاهو و محمود عباس هم حضور دارند. به نظر در کنفرانس اسلو کم‌

نهضت مقاومت فلسطین را شکستند. سافر ا تبدیل به گماشته و پیشکار کردند.

شرم‌الشیخ بهتر از اسلو نیست.»

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات نیز نوشت: «منطق وزیر خارجه ما: ما با کسانی که به ملت ما صدمه زده‌اند و هنوز هم تهدید یا تحریم می‌کنند تعامل (بخوانید مذاکره) نمی‌کنیم! سوال این است: آیا وزارت خارجه فقط برای تعامل با دوستان است؟ جنگ‌ها چگونه پایان می‌یابند؟! اختلافات بین دولت‌ها چگونه حل می‌شود؟ و ده‌ها سوال دیگر!»

▼ یادآوری موضع عراقچی درباره مذاکرات ۵۹۸

حمیدابوطالبی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در دولت روحانی در یادداشتی کوتاه خطاب به عراقچی، ادعایی درباره موضع او در دوران مذاکرات پایان جنگ ایران و عراق مطرح کرد. او نوشت: «جناب آقای وزیر امور خارجه، بی‌تردید در زمان کارشناسی تان در وزارت امور خارجه، به خاطر دارید که در روزهای پرتالهاب مذاکرات مربوط به قطعنامه‌ی ۵۹۸، در آن وزارتخانه چه دوستگی بزرگی حاکم بود؛ عده‌ای، چون جنابعالی، خواهان ادامه‌ی جنگ و خائن دانستن مذاکره‌کنندگان با عراقی بودند که آن همه جنایت کرده بود - با همین استدلال‌ها و در مقابل، کسانی بودند که می‌کوشیدند به جنگی خاتمان‌سوز که ملت ایران را فرسوده بود، پایان دهند. در صورت حاکم شدن نظرات جنابعالی، شما اکنون به جای سفر به بغداد، باید به جبهه‌های جنگ سر می‌زدید! شاید امروز نیز همان دوراه پیش روی ماست: ماندن در میدان، یا بازگشت به عقلانیت دیپلماتیک؛ حامیان جنگ در یک سو، و طرفداران دیپلماسی در سوی دیگر. شاید تاریخ دوباره در حال تکرار است.»

▼ چه منفعتی بالاتر از خروج از بن‌بست؟

یدالله اسلامی، دبیرکل مجمع نمایندگان ادوار مجلس در یادداشتی تلگرافی به این تصمیم واکنش نشان داد: «سخنگوی وزارت خارجه از دعوت رئیس‌جمهور مصر برای شرکت در نشست شرم‌الشیخ گفته و اینکه پس از بررسی نکات مثبت و منفی شرکت، به تصمیمی که بر اساس مصالح و منافع کشور بوده است، رسیده‌اند. شاید مصالح برخی شرکت نکردن بوده است؛ ولی منافع ملی اسیر همان مصالحی است که همه می‌دانند و به آن پرداخته نمی‌شود. چه منفعت و مصلحتی بالاتر از اینکه پس از هزینه‌های بسیار امکان خروج از بن‌بست و تنگنا فراهم آمده است. نگرانی نتانیاهو هم، حضور ایران بود. این فرصت‌ها را به‌راحتی از دست دادن، نه مصلحت است و نه منفعت و این‌گونه توجیه‌ده‌هایمانند کوتاه‌نوشته آقای عراقچی در توجیه شرکت نکردن قابل‌پذیرش نیست.»

▼ چرا منتظر ویتکاف ماندید؟

محمد قوچانی، مدیر مجله آگاهی‌نو و عضو حزب کارگزاران روز گذشته در حالی که هنوز اجلاس برگزار نشده بود، پیشنهاد کرد که ایران به‌رغم گرفتن تصمیم خود برای عدم حضور در نشست شرم‌الشیخ، دست به تجدیدنظر بزند.

به زعم او، این تصمیم دولت را در معرض پرسش‌های جدی قرار می‌دهد: «استدلال دولت این است که نمی‌تواند با مهاجمان دور یک میز بنشیند. پس چرا در نیویورک به روایت سخنگوی دولت منتظر استیو ویتکاف بودند؟ و از او گله می‌کنند که سر قرار نیامده است؟ فرض بر این قرار گرفته که متجاوز و قربانی نباید دور یک میز باشند. با این منطق، چرا جنبش حماس که قربانی مستقیم جنایت‌های اسرائیل با حمایت‌های آمریکاست به شرم‌الشیخ می‌رود؟ جالب اینجاست که ایران از دیپلماسی حماس حمایت می‌کند و حتی در این رد دعوت مصر باز هم از روند صلح با حماس حمایت کرده است که اقدامی درست است. یعنی هزینه را می‌دهیم، اما فایده نمی‌بریم! چهارم. اگر در شرم‌الشیخ - در هر سطحی - حضور می‌یافتیم، می‌توانستیم با صدای بلند به آمریکا و اسرائیل اعتراض کنیم، بدون آنکه به‌عنوان مخل صلح شناخته شویم.»

▼ تصمیم ایران درباره شرم‌الشیخ درست بود

جواد قربان‌اوغلی، دیپلمات پیشین کشورمان در ارزیابی این تصمیم به هم‌میهن گفت: «اصل این تصمیم که گرفته و اجرا شده مربوط به گذشته است. درست است که فرصتی وجود داشت برای این که رهبران کشورهای مختلف در این نشست حضور پیدا کردند و جایی بود که ایران بخواهد نشان دهد تغییراتی

